



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

در بحث وظایف آموزشی خانواده و پدر و مادر ابتدا به روایاتی اشاره کردیم، ولی بعد عرض کردیم که ابتدا مناسب است که آیات را بحث کرده و بعد مجموعه روایات باقی مانده را در ادامه بحث خواهیم کرد. در مورد آیات؛ آیه شریفه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً» مورد بحث قرار گرفت و دومین آیه هم آیه شریفه «وَ أَتَمُّرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» (طلاق/۶) در خطاب به زن و مرد بود که این آیه، آیه شش سوره طلاق بود و در آن جهاتی از بحث وجود داشت تا مفاد آیه و ابعاد و حدود دلالت آیه در وظایف پدر و مادر روشن بشود. جهت اول در مفهوم ائتمار بود، جهت دوم در مفهوم معروف و جهت سوم در بقاء در بمعروف و جهت چهارم بینکم بود، البته جهت سوم و جهت چهارم هم بینکم بود. این سه مطلبی بود که در جهت اولی بود.

گفتیم که جهاتی از بحث در آیه هست، مثلاً جهت اول مفردات و مفاهیم آیه بود که در این جهت اول، چهار بحث بود: ائتمار، معروف و بقاء در بمعروف و نیز بینکم. اینها جهاتی بودند که چهار نکته و بحث در جهت مفردات آیه بود. جهت دوم این بود که ائتمار آیا موضوعیت دارد، یا طریقت دارد که گفتیم تشاور دو وجه دارد: یا اینکه اصل آن تعامل است که این هم دو وجه برایش ذکر کردیم و جهت سوم این بود که آیا مراد در تشاور و تعامل بین این زن و شوهر، اختصاص به رضاع دارد، یا اینکه مطلق است؟

گفتیم بحث آیه قبل و بعد این جمله شریفه بحث رضاع هست:

«وَ إِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمَلٌ فَأَنْفَقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَ أَتَمُّرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَ إِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَمَسْرُوعٌ لَهُ الْآخِرَى». (طلاق/۶) گفتیم این آیه دو احتمال دارد:

یک احتمال این بود که این امر اختصاص دارد به تشاور در باب بچه و یا در شئون تربیت بچه و در محدوده و متعلق این امر به تعامل و تشاور هم چند احتمال وجود دارد، از جمله این احتمالات این است که این تشاور تنها در خصوص رضاع باشد و احتمال دوم هم این بود که در همه شئون تربیتی و جسمی و آموزشی فرزند باشد.

احتمال سوم

اینکه از این هم بالاتر و در همه روابط میان زن و مرد باشد.



ابتدائاً هر سه احتمال هست «وَأْتَمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»؛ یعنی در خصوص رضاع شما مشورت بکنید و به نیکی با یکدیگر همکاری بکنید که این بچه از مادر شیر بخورد و به خوبی از نظر جسمی و رضاع رشد بکند. این احتمال اول است.

احتمال دوم این است که در مطلق شئون فرزند است؛ یعنی در آنچه که باید به او برسد؛ از لحاظ تربیتی و ادب و خوبی‌ها و نیکی‌ها، در آن تعامل و همکاری بکنید و در آنچه که برای او معروف و نیک و پسندیده است و مایه رشد و سعادت اوست توافق کنید.

احتمال سوم را هم که گفتیم فراتر از بحث فرزند باشد؛ یعنی خودتان با هم در سایر شئون که بین شما و زنتان هست، خوب تعامل بکنید. زن مطلقه است و شئون دیگر هم دارد، مثلاً صداقش را درست بدهد و ...

این سه احتمالی است که در اینجا وجود دارد. گفتیم تنها وجهی که برای اختصاص این جمله به احتمال اول وجود دارد، همان قرینیت سیاق است که در قبل و بعد آیه، بحث رضاع مطرح است و هیچ وجه دیگری ندارد؛ زیرا آیه دارد «وَأْتَمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» که خطاب بینشان واقع شده و می‌گوید که در خوبی‌ها تشاور و تعامل بکنید و یا به نحو خوب با هم تعامل و تشاور بکنید و اما متعلق در اینجا ذکر نشده و اطلاق دارد، هم در شأن رضاع است و هم در شئون دیگری است که به هر حال پدر و مادر به بچه از جهت مختلفی برسند و هم روابط خودشان اینکه مثلاً مرد نفقه زن را بدهد و امثال این‌ها، پس آیه «وَأْتَمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» اطلاق دارد و هر معرفی را در رضاع بچه و در شئون دیگر بچه و یا در روابط خود زن و مرد شامل می‌شود.

نظر استاد (حفظه الله)

ما قرینیت سیاق را خیلی قبول نداریم، البته بحث مبسوط آن در اصول وجود دارد، ولی فعلاً این را اصل می‌گیریم که خیلی این قرینیت سیاق برای تخصیص و این‌ها قابل قبول نیست و مورد مخصص نیست و آیه «وَأْتَمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» یک قاعده کلی است که به زن و مرد خطاب می‌کند، منتهی موضوعش زن و مردی هستند که طلاق بینشان اجرا شده است.



قیود معروف

آنچه که معروف است، دو قید دارد: یکی زن و مردی که طلاق دادند و زن و مردی که در دوره طلاق یک موضوعاتی مطرح است و این دو قید وجود دارد. موضوعاتی که مطرح است، رضاع بچه و شئون دیگر او است و نفقه خود زن است که باید بدهد و وقتی که می‌خواهند راجع به بچه مشورت بکنند، باید اخلاق را در این امر رعایت بکنند و لذا قیدی که دارد همین اندازه است؛ یعنی در محدوده‌ای که بین زن و مرد مطلقه و مطلق زن و مردی که طلاق بینشان واقع شده، یک روابطی بینشان متصور است، هم در ارتباط میان خودشان و هم در ارتباط با فرزندشان در چهارچوب مشروع و تا وقتی که بچه‌ای در کار است، اختصاص به رضاع هم ندارد؛ یعنی می‌خواهیم بگوییم بعد از اینکه بچه شیر هم خورد، در دوره بالاتر هم یک چیزهایی برای این‌ها اتفاق می‌افتد که این‌ها باید با هم تعامل بکنند. این بچه می‌خواهد پدر و مادرش را ببیند و می‌خواهد ازدواج بکند و خیلی چیزهای دیگر انجام بدهد که در خیلی جاها این دو نفری که از هم جدا شده‌اند، باید با هم یک تفاهمی داشته باشند. ما می‌گوییم این احتمال سوم است و فقط در همان محدوده‌ای است که شما می‌گویید و نمی‌گویید که با خوبی رفتار بکنید. مثل «عاشروهن» بمعروف که در خانواده دارد که آن خوبی خیلی با این متفاوت است، بنابراین اگر ما سیاق را قرینیت خاصه ندانیم و مورد را مخصص ندانیم - کما اینکه نظر درست هم همین است و بحث کبروی‌اش در اصول است که وارد آن نمی‌خواهیم بشویم - آن وقت این آیه را تعمیم می‌دهیم و این همان احتمال سوم است، منتهی در چهارچوب آنچه که متصور است و بین زن و مردی است که از هم جدا شده‌اند، منتهی فرزند مشترک یک علایقی بین آن‌ها ایجاد می‌کند و این لازمه اطلاق «وَأْتَمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» است و آیه درست است و قبل و بعدش هم رضاع است، ولی قبل و بعد احکام دیگر، با یک کمی فاصله است، مثلاً در دوره حمل نفقه زن را باید بدهد و او را آزار ندهد.

نتیجه

«وَأْتَمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»؛ یعنی اگر بخواهیم تحلیل تربیتی نظامی به این بدهیم، باید بگوییم که آیه‌ای داریم مثل «عاشروهن بمعروف» که معاشرت بمعروف در چند جای قرآن آمده است و این تعبیر برای زن و مردی است که با هم هستند و در یک خانه زندگی می‌کنند. در آنجا می‌گوید مبنای شما باید معاشرت بمعروف باشد. یک اصل هم داریم که بعد از طلاق است برای آن‌هایی که بچه دارند، مانند «وَأْتَمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» که مدلول مطابقی این



آیه مربوط به خطاب به زن و مردی است که در مقام طلاق هستند، اگر این را بگوییم، همه شئون فرزند و حتی چیزهای دیگری که مستقیماً مربوط به فرزند نیست، ولی عملاً تأثیر در آن دارد، مطرح می‌شود؛ یعنی ما همه روابط میان زن و مرد که به نحوی به روابط فرزندشان هم ارتباط دارد، می‌گوییم شامل می‌شود.

جهت چهارم

جهت چهارم این است که آیا این اختصاص به دوره و زمان رضاع دارد؟ و یا اینکه بعد از شیردهی هم بحث‌های دیگری مطرح می‌شود که به نحوی با این‌ها ارتباط پیدا می‌کند؟

جواب

به نظر می‌آید که اینجا هم می‌شود به اطلاق قائل شد و لذا «وَأْتَمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» شامل آن دوره بعد هم می‌شود، البته با ملاحظه احکام دیگری مثل حضانت.

حق حضانت می‌گوید برای دختر بعد از هفت سالگی و یا نه سالگی ادامه دارد و یا چند قول در اینجا وجود دارد که مشهور همان هفت سال است که مسائل حکومتی و ولایی است و برای پسر هم دو سال و کمتر است و در همان چهارچوب حقانت و حق نفقه و این آیه این چهارچوب‌ها را نفی نمی‌کند.

شمولیت آیه بر دوره بعد از رضاع

آیه «وَأْتَمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»، علاوه بر دوره رضاع، شاید شامل دوره‌های بعد - در آنچه که به سرنوشت طفل مؤثر است - هم بشود و عرفاً نیاز به تعامل این زن و مرد است که اگر جزء حق خود پدر و یا مادر باشد خوب معلوم است ولی چیزهایی است که نیاز به تعامل این دو است و این تابع این است که عرف بگوید که نیاز به این تعامل و همکاری در این امر هست یا نیست، اگر نیاز هست «وَأْتَمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»، آن را هم می‌گیرد و بعید هم نیست که آن را بگیرد. اگرچه این احتمال هم چندان غیرموجه نیست که بگوییم فقط دوره رضاع را در برمی‌گیرد، ولی به‌هرحال بعید نیست آن را بگیرد.

این دو جهت است که یک طیفی از نظریات را در این آیه می‌آورد که اگر این دو را با هم ببینید، از نظریه‌ای که بگوید «وَأْتَمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»، فقط دوره شیردهی و امر شیردهی را می‌گوید تا آن نظریه‌ای که می‌گوید همه



امور بچه را می‌گیرد تا وقتی که نیاز به این همکاری و هماهنگی هست و بعد از دوره رضاع را هم می‌گیرد که بعید نیست که ما این اطلاق را در آیه بپذیریم.

جهت پنجم

جهت پنجم این است که آیا این حکم اختصاص به حال طلاق دارد؟ چون موضوع این آیات سوره طلاق و جایی است که نظام خانوادگی از هم پاشیده و خانواده‌ای مبتلا به طلاق شده است و لذا آیا این حکم مختص به زنان و مردان از هم جدا شده است و یا اینکه شمول دارد و دوره خانواده و ازدواج را هم می‌گیرد؟

الف: به لحاظ منطوق

به نظر می‌آید که از نظر مدلول مطابقی آیه نمی‌توانیم تعمیم بدهیم و منطوق آیه را نمی‌شود تعمیم داد، بلکه منطوق آیه با احتمال اول مساعد و موافق است که احتمال اول این است که این آیه خطاب به زن و مردی است که از همدیگر جدا شده‌اند. این ضمیر «کم» در «وَأْتَمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» و نیز همه قبل و بعد این ضمائر و خطاب‌ها، به مردی است که زن را طلاق داده و لذا اطلاقی در ذات «کم» نیست و این تابع این است که ببینیم این ضمیر به چه کسی خطاب شده و مخاطب آن کیست؟

در این نوع موارد سیاق قرینیت دارد؛ زیرا ذات ضمیر خطاب و ضمیر غیاب همان مرجعی است که در آیه مشخص شده و لذا خطاب و منطوق آیه «وَأْتَمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» متوجه زن و مردی است که از هم جدا شده‌اند و همه ضمائر قبل و بعد هم همین‌طور است. ضمیر فی حد نفسه هیچ مفهوم معینی ندارد که بگوییم اطلاق دارد و لذا مفهوم آن تابع همان خطابات قبل و بعدش است. اینجا سیاق کاملاً قرینیت دارد و به خاطر ویژگی که در ضمائر هست، مشارالیه و مخاطب را مشخص می‌کند و لذا خطاب به زن و مرد از هم جدا شده است. این به لحاظ منطوق بود.

ب: به لحاظ فحوا

ممکن است که اینجا فحوا و اولویت را قائل بشویم و ادعا کنیم که اولویت دارد. به این بیان که وقتی خطاب به زن و مرد از هم جدا شده است، این تأکیدی است بر حسن تعامل و مشورت در مقام اداره فرزند و شئون تربیتی



فرزند و اگر اولویتی هم نباشد و یا حتی آنجایی هم که از هم جدا نشده‌اند، باز هم باید در مسائل بچه تفاهم داشته باشند و با هم همکاری بکنند تا بچه خوب رشد بکند و خوب تربیت بشود و فرقی در اینجا ندارد و تأکید آیه در اینجا به خاطر حساسیت و آسیب‌های ویژه‌ای است که در آیه آمده است و الا اگر این حساسیت‌ها نباشد، باز «وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» بر خوبی برخورد با فرزند دلالت می‌کند.

ممکن است بگوییم با القاء خصوص منطوق آیه این را نمی‌گیرد، ولی با القاء خصوصیت و تنقیح مناط قطعی می‌شود گفت که نسبت به کل خانواده این را می‌گیرد. اگر ما این تنقیح مناط و القاء خصوصیت را بپذیریم، آن وقت این آیه به آیه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَاهْلِيكُمْ نَارًا» خیلی نزدیک می‌شود، به علاوه اینکه بعد از طلاق را هم یک مقداری می‌گیرد. در واقع می‌گوید زن و مرد برای رشد فرزندشان در شیر و سایر اموری که به آن‌ها مربوط است، خوب است همکاری و مشورت کنند و حتی بعد از طلاق و قبل از طلاق هم طبعاً باید این‌طور چیزی باشد، البته من اول تعبیر به فحوا کردم، ولی بعد دیدم که می‌شود مناقشه‌ای در آن کرد، ولی القاء خصوصیتش خیلی قوی است؛ یعنی ارتکازات عرفی قطعاً با این مسئله مساعد است که بگوید حتی اگر طلاق ندادند هم باز این مأموریت را دارند، منتهی چون کمی به صورت طبیعی حاصل می‌شود، تأکید نشده است و به آن بخشی که آسیب دارد و یک مقدار زمینه‌های عدم تعامل وجود دارد، تأکید شده است و الا نمی‌خواهد قبلش را نفی بکند، بلکه هیچ فرقی ندارد و با القاء خصوصیت این حق و وظیفه و ولایت تربیتی برای پدر و مادر ثابت است و هر دو باید با تفاهم این کار را انجام بدهند و نکته مهم هم آن تفاهم و مشاور و تعامل است که این آیه حتی بعد از طلاق روی آن تأکید دارد. احتمال دارد کسی بگوید که احتمال ضعیفی دارد که آیه «وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ»، خطاب به زن و مرد جدا شده نیست، بلکه به زوجین است، چه جدا شده باشند و چه جدا نشده باشند که البته این احتمال ضعیف است.

من تا قبل از اینکه اولویت را بگویم در ذهنم فحوا بود و القاء خصوصیت آن بعید نیست، ولی حالا اولویت آن با شماست.

نتیجه

با بیان این جهات تا اینجا به این نتیجه می‌رسیم که از لحاظ موضوعی و محدوده دلالت آیه این است که آیه می‌فرماید که مشاوره و هماهنگی و همکاری زن و مردی که از هم جدا شده‌اند، به منظور سرپرستی بچه در شئون مختلف - تا وقتی که به این سرپرستی و تعامل نیاز است - ضروری است و هم‌چنین گفتیم که این وظیفه نسبت به



پدر و مادری هم که از هم جدا نشده‌اند، با القاء خصوصیت ثابت می‌شود و شمول پیدا می‌کند و حاصل این قصه - اگر از این عقبات و وجوه مختلف عبور بکنیم - یک اصل بسیار مهم می‌شود و آن اصل کلی خانوادگی، همان تعامل در معروف و رشد و پرورش فرزند است. گاهی کسانی بعد طلاق هم خیلی احترام همدیگر را نگه می‌دارند و حقوق بچه را هم رعایت می‌کنند.

این حقوق گفتیم در زمانی که جدا شده‌اند، به طریق اولی ثابت می‌شود، البته ما گفتیم که همه روابط زن و مرد را می‌گوید، ولی بیشتر آن نکاتی است که روی تربیت فرزند تأثیر دارد و تکیه هم روی آن جهت شئون فرزند است و همه شئون او را هم می‌گیرد. آیه می‌گوید اگر در مورد رضاع سختی پیدا شد، فرد دیگری بچه را شیر دهد، ولی «وَأْتَمِرُوا» فقط می‌خواهد بگوید که رضاع مورد است، نه مورد مخصص. بله اگر به جای او در «وَأْتَمِرُوا» فَمَسْرُوعٌ لَهُ أَخْرَى»، «فاء» بود، مورد مخصص بود، ولی او است، پس مورد هم مخصص نیست.

جهت ششم

جهت ششم این است که شمول آیه نسبت به شئون آموزشی است.

این را من جدا کردم تا به بحث خودمان ربط پیدا بکند و الا در بحث‌های قبلی بوده است؛ زیرا با بحث ما ارتباط دارد. بحث ما فعلاً در نقش و وظائف آموزشی خانواده است که در «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم/۶) گفتیم شأن کلی تربیتی است، ولی شئون آموزشی را هم توجه دارد. در اینجا هم از آنجاکه ما به اطلاق در آیه «وَأْتَمِرُوا» قائل شدیم و آن را به رضاع اختصاص ندادیم، طبعاً شئون آموزشی و شئون تربیتی را هم شامل می‌شود. آن آموزش‌هایی که باید به بچه داده شود که گفتیم این آموزش‌ها اختصاص به رضاع ندارد و لذا وقتی شمول پیدا کرد، شامل دوره‌ای هم می‌شود که بچه به بلوغ برسد و شرایط زندگی‌اش سامان پیدا کند و مستقل بشود و شئون آموزشی او را هم می‌گیرد؛ یعنی اینکه حمد و سوره یادش بدهند و آداب و سنن اجتماعی و سایر آموزش‌های لازم را که بالطبع در آیه «وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» وجود دارد، به او آموزش دهند تا بچه در شئون آموزشی هم رشد پیدا بکند و لذا با اطلاق که در آیه قائل شدیم و القاء خصوصیتی که کردیم و اولییتی که گفتیم و محدوده کلی را بیان نمودیم.



جهت هفتم

جهت هفتم، بحث حکم است تا اینجا بحث‌ها موضوعی بود و از این به بعد دیگر راجع به حکم است. جهت هفتم این است که این «وَأْتَمَرُوا» واجب است، یا مستحب؟
با القاء خصوصیت و با اولویت برای آیه یک معنای عامی قائل شدیم و همکاری و مشورت پدر و مادر را، چه قبل از طلاق و چه بعد از طلاق، در پرورش جامع فرزند ضروری دانستیم و این اصل نتیجه‌ای است که گرفتیم.

تفاوت این آیه با دیگر آیات و روایات

نکته مهمی که می‌شود روی آن تأکید کرد، این است که فرق این آیه با آیه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ اهْلِيكُمْ نَاراً» و یا با روایاتی مثل «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ»^۱ و «عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ الْقُرْآنَ» و همه آن آیات و روایاتی که وظایف تربیتی و آموزشی را به شانه پدر و مادر گذاشته است، این است که این آیه تعامل و همکاری و همفکری و هماهنگی در تربیت را تأکید می‌کند و این غیر از اصل وظائف تربیتی است و این مسئله را در جهت هفتم و قبل از بیان حکم باید توجه کنیم و بدانیم که تفاوت این آیه و اصل این آیه با آیه قبل و سایر آیات و روایات در باب تربیت خانوادگی چیست. تفاوتش این است که ما دو اصل در اینجا داریم:

اصل اول: اصل وظائف تربیتی و آموزشی پدر و مادر

به این اصل در خیلی جاها اشاره شده است.

اصل دوم: اصل لزوم همفکری و هماهنگی

آنجایی که آیه می‌فرماید «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ اهْلِيكُمْ نَاراً»، گفتیم خطاب هم به مرد است و هم به زن. به او می‌گوید: «قُوا وَ كَدُّكُمْ عَنِ النَّارِ»؛ یعنی «عَلِّمُوهُ الْقُرْآنَ، عَلِّمُوهُ الصَّلَاةَ، أَدَّبُوهُ بِهٖ آدَابَ الْحَسَنَةِ».
همان‌طور که بیان شد به مادر هم همین را خطاب می‌کند، اما این آیه شریفه به زن و مرد چه طلاق گرفته باشند و چه با هم زندگی کنند، تأکید می‌کند که در رابطه با آنچه که بر دوستان گذاشته شده است، همکاری بکنید؛ زیرا که

^۱ - من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص: ۴۹۳.



این وظائف نیاز به همکاری شما دارد و چقدر هم جالب و قشنگ است، دو اصل هستند که به هم پیوسته و مکمل هم می‌باشند.

ثمرات دو اصل

بنابر این دو اصل، معروف هم همان دو احتمالی که دادیم می‌شود:

یکی اینکه شیوه تعاملتان خوب باشد؛ یعنی خوب تعامل بکنید.

دیگری متعلق تعاملتان است که اگر احتمال متعلق بگیریم، در این صورت معروف همان وظائفی می‌شود که در

قرآن و حدیث هم گفته شده است؛ یعنی در آن معروف و وظائفی که به دوستان هست، همکار بکنید. اگر هم بگوییم که به خود مشورت برمی‌گردد؛ یعنی همکاری خوبی انجام بدهید.

نتیجه

نتیجه این بحث، حکمی است که جهت هفتم بحث ماست و آن این است که یک سلسله وظائف آموزشی و

تربیتی به عنوان اصل اول بر دوش خانواده و والدین نهاده شده است که یک بخش آن واجب است و بخش دیگرش

مستحب است؛ و صلی الله علی محمد و آله الاطهار